

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پاتریک کاکبورن
برگردان از: سامان
فرستنده: عثمان حیدری
۱۸ می ۲۰۱۹



پاتریک کاکبورن

در درگیری رو به رشد بین ایران و امریکا اروپا قدرتی ندارد



یادداشت مترجم: هر نگرشی که نسبت به جنگ داشته باشیم در شرایط حاضر دو رقیب، دو دشمن دیرینه یعنی ایران و امریکا با تمام توان و ناتوانی‌هایشان به طور عینی در برابر هم آرایش جنگی گرفته‌اند. خواسته یا ناخواسته

با توجه به اتفاقات گذشته در خاورمیانه کشور و مردم ایران در وضعیت سرنوشت سازی از آینده خود قرار دارند. ایرانیان با توجه به تحمل چهل سال رنج و مرارت استبداد رژیم ارتجاعی و هشت سال جنگ طولانی بی حاصل ایران و عراق مجدداً در معرض ماجراجویی‌های ضد مردمی و ضد بشری دشمنان داخلی و بین‌المللی قرار گرفته‌اند. از آن جایی که دامن زدن به جنگ خانمانسوز دیگری می‌تواند تمام دستاوردها و تلاش‌های مدنی و اجتماعی مردم ایران را برای رسیدن به آزادی و دموکراسی طی این سال‌ها بر باد دهد، وظیفه همه ماست که به سرنوشت کشورمان حساسیت لازم را داشته با پرهیز از بی تفاوتی و تدارکی عظیم صدای صلح در جهان را طنین انداز کنیم.

طرفداران برگزیت در بریتانیا اتحادیه اروپا را به مثابه کرگدنی بسیار قدرتمند که انگلیس باید از چنگال آن بگریزد تقبیح و محکوم می‌کنند، درست همان طور که این تشکیلات با شکست خود ثابت می‌کند که چیزی بیش از یک قدرت درجه دوم جهانی نیست.

وضعیت واقعی اتحادیه اروپا-البته پس از آمریکا، روسیه و چین- فقط با ناتوانی‌اش نشان داده تا از ایران در برابر تحریم‌های آمریکا به دنبال کنارگیری از قرارداد هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) توسط ترامپ مراقبت نماید. یکسال پیش، آنجلا مرکل و امانوئل ماکرون بازدید تحقیق‌آمیزی از واشینگتن برای درخواست بیهوده از ترامپ و ماندن او در برجام داشتند، که رد شد.

از آن پس آمریکا با موفقیت فشار اقتصادی را بر ایران افزایش داده، صادرات نفتی آن را از ۲/۵ به ۱/۳ میلیون بشکه در روز کاهش داده است. بریتانیا، فرانسه و آلمان قول داده بودند وسیله‌ای مالی را برای دور زدن تحریم‌های آمریکا فراهم نمایند، لیکن تلاش‌های آنها سبیل‌بیک بود. حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران روز چهارشنبه اظهار داشت که اجرای برخی از بخش‌های قرارداد هسته‌ای را متوقف می‌کند مگر آن که اروپایی‌ها وعده‌های خود پیرامون فروش نفت و بانک‌ها را عملی نمایند. همه اقرار دارند که ایران طبق وعده‌هایش عمل کرده ولی این دیگر کار خوبی نیست.

اینها آخرین حرکت‌ها در عرصه پیچیده شطرنج سیاسی بین آمریکا و ایران است که از زمان سرنوشتی شاه در سال ۱۹۷۹ میلادی ادامه یافته است. درگیری این است- و نه رو در روئی آمریکا-چین پیرامون تجارت، که اخیراً به طرز چشمگیری شدت گرفته- و به احتمال زیاد هر توازن قدرت جدید ایجاد شده‌ای در جهان در دوره ترامپ را تعریف خواهد کرد. این خیلی مهم است که-خلاف اختلاف نظر آمریکا-چین-گزینه‌ها امکان واقعی تغییر رژیم و جنگ را دربر می‌گیرند.

اروپایی‌ها ثابت کرده‌اند هنگامی که نوبت قرارداد ایران می‌شود بازیگران حاشیه‌ای باشند و هرگز احتمال آن نبوده که هنگام خروج آمریکا از برجام سرمایه سیاسی بیشتری صرف دفاع از آن نمایند. در درازمدت آنها نیز خواهان تغییر رژیم در تهران هستند، هرچند با روش‌های بی‌پروای ترامپ برای رسیدن به آن مخالفت می‌ورزند. با این اوصاف، سهولت تحقیق‌آمیزی که ترامپ بدان طریق از قرارداد عقب نشینی کرد، نشان می‌دهد که وی برای آن چه رهبران اتحادیه اروپا می‌گویند یا انجام می‌دهند تره هم خرد نمی‌کند.

اروپائیان در درگیری فزاینده بین آمریکا و ایران تماشاچی خواهند بود. استعداد آمریکا وقتی موقع مهار و خفه کردن اقتصاد ایران باشد بسیار شگرف است. صادرات نفت ایران بر باد رفته، تورم به ۴۰ درصد رسیده و آی.ام. اف به طور کلی ۶ درصد انقباض اقتصادی را پیش‌بینی می‌نماید. آمریکا می‌تواند بانک‌هایی را که با ایران معامله

می‌کنند در هر جایی تنبیه و جریمه کند، از جمله کشورهایی که ایران در آنها به لحاظ سیاسی قوی است مانند عراق و لبنان.

تهران در برابر یورش امریکا اقدامات متقابل اقتصادی مؤثر و متعددی، به جز انتظار تا پایان دوره ترمپ، ندارد، رعایت احتیاط برای ایران در گذشته کارکرد خوبی داشته است. پس از سال ۲۰۰۳ ایرانیان به طنز می‌گفتند که خدا باید با ما باشد چرا که امریکا دو دشمن جدی در همسایگی ایران را سرنگون کرد-طالبان در افغانستان و صدام حسین در عراق.

بسیاری از رهبران ایران اطمینان دارند که مقابل هرچیزی به جز جنگ تمام عیار که ترمپ به سوی آنها پرتاب می‌کند می‌توانند دوام آورند. سوابق گذشته نشان می‌دهند که درست می‌گویند: در جنگ لبنان پس از اشغال اسرائیل در ۱۹۸۲، ایران به اوج رسید و به ایجاد حزب‌الله به عنوان قدرتمندترین نیروی سیاسی و نظامی منحصر به فرد در این کشور یاری رساند. به همین ترتیب، پس از اشغال عراق توسط امریکا و انگلیس در سال ۲۰۰۳، ایران مسئله اشغال توسط این کشورها را تضعیف نمود و دولت تحت رهبری شیعه همبسته با علایق خود را در قدرت نگهداشت. در سوریه پس از سال ۲۰۱۱، پشتیبانی ایرانیان برای تحت کنترل نگهداشتن متحد خود یعنی بشار اسد حیاتی بود.

ایران در این درگیری‌ها به خاطر اشتباهات مخالفانش قسماً برنده بود، لیکن این موارد دو باره به طور ناگزیر اتفاق نخواهند افتاد. زیرا رسانه‌ها و بسیاری از نهادهای سیاسی در واشینگتن و پایتخت‌های غربی بسیار به طرزی عصبی ضد ترمپ هستند، آنها غالباً تأثیر وابستگی خود به قدرت اقتصادی امریکا را هم زمان با اجتناب از درگیری نظامی دست کم می‌گیرند. در پایان روز، خزانه‌داری امریکا ابزار سیاست خارجی قدرتمندتری از پنتاگون با همه ناوهای هواپیمابر و بهپادهای آن است.

امکان دارد ترمپ همه مقالات کنفرانس را مطالعه نکند، لیکن اغلب غریزه بهتری از قورباغه‌های محافظه‌کار دولت خود در مورد واقعیات قدرت دارد که از جنگ عراق که در برانگیختن آن کمک کردند به میزان کمی آموخته‌اند.

مادام که ترمپ با تحریم ضربه وارد می‌آورد در موقعیتی قوی است، لیکن چنانچه بحران با ایران نظامی شود چشم انداز برای امریکا کمتر قابل پیش‌بینی خواهد بود. نه تهران و نه واشینگتن جنگ نمی‌خواهند، اما این بدان معنی نیست که به آن دست نمی‌یازند. درگیری در این بخش از منطقه خاورمیانه به ویژه غیر قابل کنترل است چرا که بازیگران بسیار متعددی با منافع مختلف و متعارض وجود دارند.

این واگرایی کارت‌های وحشی زیادی را تولید می‌کند: ترمپ از طرف عربستان سعودی و امارات پشتیبانی می‌شود، ولی این دولت‌های نفتی یک سابقه عملیاتی ضعیف در سوریه و یمن داشته‌اند.

ایرانیان به نوبه خود، در جایی که یاران شیعه اکثریت (عراق)، بزرگترین جامعه (لبنان) یا دولت در دست کنترل (سوریه) هستند موفقیت‌هایی داشته‌اند. با توجه به آن که آنها رژیم مذهبی شیعه می‌باشند، همیشه برایشان دشوار است که نفوذشان را فراتر از مناطق اصلی شیعه گسترش دهند.

بنیامین نتانیاهو حمله برای شیطانی جلوه دادن ایران را رهبری کرده و امریکا را ترغیب نموده تا آن را به عنوان منبع شرارت در خاورمیانه ببیند. لیکن سخنرانی خصمانه نتانیاهو علیه ایران در حرکت به سمت اقدام نظامی، به استثنای مقابله با مردم بی‌دفاع فلسطین در غزه و ساحل غربی تاکنون همراه با احتیاط بوده است.

یک خطر آن است که جنگ سرد یا گرم دائمی بین واشینگتن و تهران ابزاری جهت سایر درگیری‌هایی شود که

ارتباط چندانی به آن ندارند. این مورد افزایش رقابت بین عربستان سعودی و ترکیه پیرامون رهبری جهان تسنن را شامل می‌شود. نقش مستقل ترکیه به واسطه قدرت امریکا در منطقه مورد تهدید قرار می‌گیرد. این قضیه در مورد روسیه هم که از سال ۲۰۱۱ به عنوان یک قدرت جهانی با حمایت نظامی موفقش از اسد در سوریه به بازسازی موقعیت خود پرداخته نیز اعتبار دارد.

ترمپ امیدوارست با اعمال فشار برای مذاکره به یک صلح کارتاژی* دست یابد-بالاخص اگر این امر پیش از انتخابات ریاست جمهوری آینده امریکا تحقق یابد مفید است- که در سایه آن ایران از قدرت منطقه‌ای بودن دست بر می‌دارد. تغییر رژیم برای ترمپ دستاورد مطلوب و بهینه خواهد بود، لیکن احتمالاً غیر قابل دسترسی است. اگر ترمپ به جنگ اقتصادی بچسبد برای ایران دشوار خواهد بود که با او مقابله کند، لیکن در هر سناریوی دیگری موقعیت امریکا آسیب پذیرتر می‌شود. لیست تلفات قابل توجهی از رهبران بریتانیایی و امریکایی وجود دارد-سه نخست وزیر بریتانیا و سه رئیس جمهور امریکا- که طی قرن گذشته در خاورمیانه آسیب جدی یا مرگبار سیاسی را متحمل شده‌اند. ترمپ خیلی خوش شانس خواهد بود اگر بتواند از همان سرنوشت بگریزد.

* معاهده‌ای که حکومت رم در سال ۲۰۱ پیش از میلاد کارتاژ را به موقعیت یک دولت نوکر تنزل داد. هر معاهده بی‌رحمانه‌ای که انقیاد کامل طرف شکست خورده را طلب می‌کند.

منبع: کانتر پانچ